# نقش سیـاسی، اجتماعی، اقتصـادی گوهرشـادآغا در خراسـان عهـد تیمـوری

(با توجه به دو شهر مشهد و هرات)

**دکتر عباسعلی آذرنیـوشه[۱]، راضیـه فرستاده[۲]**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۱۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۷/۶

## چکیـده

امپراطوری بزرگی که تیمور بانی آن بود، پس از مرگش بین فرزندانش تقسیم شد. در این بـین خراسان و بخش هایی دیگر از سرزمین ایران از سال ۸۰۷ تا سال ۸۵۰ هجری قمری نصیب شاهرخ میرزا گشت که هرات در این مدت به عنوان مرکز فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شـهرت یافت. هرات محل تجمع بازرگانان و مسافران بسیاری از نقاط مختلف جهان گردید و در هر گوشه و کنار آن ساختمان‌های عظیم، نمای زیبایی را در شهر به نمایش می‌گذاشتند. پس از هـرات، مشـهد دومین شهر تمرکز خاندان تیموری به حساب می‌آمد. شهری که به دلیل افزایش جمعیت شیعه‌ی آن و وجود بارگاه امام رضا (ع) و بناهای زیبای تیموری، رو به رشد و ترقی نهاده بود و بـدین گونـه بـا حمایت‌های شاهرخ و گوهرشاد، امرا و بزرگان تیموری سـبک معمـاری باشـکوهی در بخـش‌هـای شرقی ایران تمرکز یافت. گوهرشاد آغا، معروف به مهدعلیا، ضمن همراهی همسرش شاهرخ، که به ویژه پس از مرگ تیمور، ابتدا وقت خود را صرف امور نظامی و تحکیم امور سیاسـی کـرده بـود؛ در توسعه‌ی شهرسازی و امور عام المنفعه و امور سیاسی نقشی به سزایی داشت.

**کلیـد واژه‌ها:**
گوهـرشاد، هـرات، مشهد، مصلی، مسجد.

[۱] عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان .
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان .

## مقدمــه

پس از فروپاشی دولت ایلخانی در ایران، به مدت نیم قرن دوره ای از تزلزل شکل گرفت. بـا گذر از این دوران آشفته، تهاجم تیمور بر سراسر ایران نازل گردید و زندگانی رعیت ایرانـی را بـه آتش کشانید. تیمور در مقابل تبدیل پایتخت خویش سمرقند، به وسیله‌ی غنایم فراوان و معمارانی ماهر، به یک کلان شهر زیبا با بازارها و بناهای باشکوه، بسیاری از آبادی‌هـای ایـران را ویـران نمود. شهری که محل تجمع بسـیاری از جهانیـان و بازرگانـان شـد. میراثـی کـه تیمـور بـرای بازماندگانش بر جای گذارد، شوکت و حشمت آنان را در پی داشت. جانشینان امیـر تیمـور بـرای جبران ویرانگری‌های پدر، به عمران و آبادی شهرها روی آوردند و با معمارانی چون قـوام الـدین شیرازی و سایرین، معماری با شکوهی را به جهانیان عرضه نمودند. شاهرخ میرزا حاکم خراسـان به همراه همسر و پسران خویش با حمایت از هنر و علم، هرات را به مانند سمرقند به دوره ای از اوج خود رسانیدند. دین و دانش تجدید و عالمان و دانشمندان در عرصه‌های ادب و هنر کوشـاتر گشتند. ثمره‌ی این اوج و زیبایی در نزد اروپائیان معروف به رنسانس هرات گردید.

از آن جا که در حکومت‌های متمرکز، هزینه‌های اضافی، صرف شـهرهای مرکـزی مـی‌شـد؛ چون هرات به عنوان پایتخت و مشهد به شکل شهری زیارتی تمرکز یافتند هزینه‌های زیادی در این دو شهر به مصرف رسید که نشان از ثروت عظیم خاندان شاهی داشت. آغـاز رشـد و ترقـی مشهد در همین دوران با بنای انواع مدرسه، مسجد، بازار، حمام و تعمیرات بارگاه امام رضا (ع) به دستور شاهرخ میرزا و گوهرشاد و حمایت اکابر و اشراف صورت گرفت.

گوهرشاد آغا، در این رنسانس نیز سهم به سـزایی داشـت. وی بـانی سـاختمانهایی بـزرگ و باشکوه با تزئیناتی چشمگیر و پرهزینه به شکل مصلی و مسجد جامع در هرات و مشهد گردید و مزارع و املاک بسیاری وقف این دو مکان نمود تا نامی نیک از خود بر جای بگذارد، به طوری که مورخان آن روز، این زن را به عنوان بانی امور خیریه معرفـی مـی‌نماینـد. مهـد علیـا کـه در خانواده‌ای با اعتبار به دنیا آمده بود، در طول دوران حکومت همسرش با تکیـه بـر وجـود چنـین خاندانی در امور سیاسی دخالت هایی را از خود نشان می‌داد. دامنه‌ی این دخالت‌ها پس از مـرگ شوهرش هم چنان ادامه یافت و به نوعی، زنی با حضور پر رنگ در کنار شوهر و فرزندان خویش، آن‌ها را تا حدودی منزوی نمود. این تحقیق درصدد است که تأثیرات شخصیت گوهرشاد آغا بـه عنوان همسر یک فرمانروا را در امور سیاسی زمانه‌ی خویش و امور اجتماعی و اقتصادی دو شهر هرات و مشهد بررسی نماید.

## زندگی نامـه و فعـالیت‌های سیـاسی گـوهرشاد آغا

پس از مرگ تیمور در سال ۸۰۷ هجری قمری ، در میان نبردهای جانشینی، شـاهرخ میـرزا توانست، بر خراسان و بخش هایی از ایران مسلط گردد.[۱] شاهرخ به فرمـان پـدر، در سـال ۷۹۹ حکمرانی خراسان را برعهده گرفت و در سال ۷۹۰ با گوهرشاد آغا پیوند زناشـویی بسـت.[۲] سـه فرزند مشهور آنان به نام الغ بیگ در سال ۷۹۶، بایسنقر در سال ۷۹۹ [۳] و محمد جوکی در سـال ۸۰۴ چشم بر جهان گشودند.[۴] گوهرشاد معروف به مهد علیا، فرزند غیاث الدین ترخان از بزرگان جغتایی بود.[۵] ترخان از القاب مغولی بود که دارنده‌ی آن امتیازاتی چون مالیات، اسـتفاده از غنـایم جنگی و حق ورود بی‌اذن به بارگاه را داشت. به دستور چنگیز خـان، ایـن مزایـا، بـرای فرزنـدان ترخانیان تا نهمین نسل می‌بایستی ادامه می‌یافت.[۶] با شروع حملات هفـت سـاله در سـال ۷۹۸ هجری قمری شاهرخ با قوای خود به سپاه تیمور پیوست [۷] و از آن جا که جغتاییان رسـم بـر آن داشتند که زنان را به همراه خود به جنگ بردند.[۸] گوهرشاد طبق همین رسم در جنـگ‌هـا کنـار شوهر شرکت می‌جست.[۹] وی در هنگام یورش هفت‌ساله، الغ بیگ را در سلطانیه به دنیا آورد.[۱۰]

غیاث الدین ترخان، به غیر از گوهرشاد دو تن از دیگر دختـرانش را بـه پیونـد دو امیـرزاده‌ی تیموری به نام‌های پیر محمد و رستم، از فرزندان عمر شـیخ بـن تیمـور درآورد. ایـن پیونـدهای سیاسی با خاندان سلطنتی، پایه‌های قدرت و نفوذ خانواده ترخانی را بیشتر می‌نمود.[۱۱] ازدواج مهد علیا باعث شد که فرزندان غیاث الدین در هنگام انتصاب شاهرخ بر حکومت خراسان، بـه فرمـان

---

[۱] ه. ر. رویمر و دیگران، تاریخ ایران دوره تیموریان از مجموعه تاریخ کمبریج، چ ۳، ترجمه یعقوب آژند (تهران: انتشارات جامی، ۱۳۷۸)، ص ۱۱۱– ۱۰۵.

[۲] احمد تتوی و آصف خان قزوینی، تاریخ الفی، ج ۷ (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص ۴۷۸۳.

[۳] محمد بن خاومند شاه بلخی، روضه الصفا، ج ۶ (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۳)، ص ۱۰۶۷.

[۴] احمد بن جلال الدین محمد خوافی، مجمل فصیحی، ج ۱، تصحیح محمود فرخی (مشهد: انتشارات کتاب فروشی باستان، ۱۳۳۹)، ص ۱۴۵.

[۵] ویلفرد بلانت، جاده زرین سمرقند، ترجمه رضا رضایی (تهران: انتشارات عمران، ۱۳۸۷)، ص ۲۲۴.

[۶] عطاملک جوینی، تاریخ جهان گشای جوینی، ج ۱، چ ۲، تصحیح منصور ثروت (تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸)، ص ۵۶.

[۷] خوافی، مجمل فصیحی، ص ۱۳۵.

[۸] روی گنزاله دکلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعور رجب نیا (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۶)، ص ۱۹۷.

[۹] شرف الدین علی یزدی، ظفر نامه، ج۲، تصحیح محمد عاشی (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر،۱۳۳۶)، ص ۶۵۵.

[۱۰] شاه بلخی، ص ۱۰۹۲.

[۱۱] نظام الدین شامی، ظفرنامه، تصحیح فلکس نادر (پراگ چکوسلواکی :مؤسسه شرقیه، ۱۹۵۶)، ص ۹۹.

تیمور به خدمت گذاری این امیرزاده در آیند تا او را در اداره‌ی امور همراهی نمایند.[۱] از جمله احمد احمد ترخان، حاکم اندخود شد[۲] و امیر جـلال الـدین ترخـان در سـال ۸۵۹ هجـری قمـری بـه سیورغالی برخی از بلوکات هرات رسید.[۳] حضور ترخانیان وفادار در کنار ولی نعمت خویش گـاهی باعث اضطراب و ترس امرای تیموری می‌شد.

در سال ۸۲۳ هجری قمری به درخواست الغ بیگ، ملکه‌ی مادر از هرات بـه سـوی سـمرقند شتافت. این ملاقات برای بازدید از رصدخانه‌ی تازه احـداث شـده‌ی الـغ بیـگ، صـورت گرفـت. گوهرشاد بانی ساخت بناهای بزرگ، مشوق خانواده در انجام امور عام المنفعه بود، به طوری کـه برای بازدید از یک رصدخانه، بار سفری دور و دراز را بـر خـود کشـید.[۴] در سـال ۸۳۷ بایسـنقر میرزا، بر اثر افراط در نوشیدن مشروب فوت و در مدرسه‌ی گوهرشاد در هرات مدفون گشـت [۵] و ولایت طوس (از سیورغالات بایسنقر) به علاءالدوله بن بایسنقر رسید. گوهرشاد علاقه‌ی بسیاری به علاءالدوله از خود نشان می‌داد و اراده اش را عزم کرده بود تا بعد از مرگ شوهر، این فرد را به حکومت برساند. او با حمایت ترخانیان به آسانی به مقصود می‌رسید.[۶] طرفداری‌های گوهرشـاد از علاءالدوله در سال ۸۴۰ باعث ناراحتی عبدالطیف بن الغ بیگ گردید. عبدالطیف به حالت قهـر از خراسان به سمرقند بازگشت، گوهرشاد شخصاً به سمرقند رفت تا به دلجویی نوه اش بپردازد. این دلجویی‌ها فقط از سر محبت مادرانه نبود بلکه او نمی خواست برای علاءالدوله و خود، دشمنی از میان خاندان شاهی به وجود آورد. بعدها عبدالطیف، رفتارهای مادر خویش را که به خاطر سـپرده بود، بی حرمتی را از او دریغ نکرد. [۷]

افراط محبت مادرانه‌ی مهدعلیا، موجبات ناراحتی محمد جوکی فرزنـد دیگـرش را بـه دنبـال آورد. در سال ۸۴۷ محمد جوکی به دیدار شاهرخ بیمار، به هرات می‌رود. او در هرات متوجه بیعت امیر جلال الدین فیروز شاه با علاءالدوله گشت.[۸] این شخص که به تازگی در دربار نفوذ بسیاری

---

[۱] یزدی، ص ۹.

[۲] خوافی، مجمل فصیحی، ص ۱۷۷.

[۳] فرهاد نعمانی، تکامل فئودالیسم در ایران، ج ۱ (تهران : انتشارات سهامی خوارزمی، ۱۳۵۸)، ص ۲۳۱.

[۴] خوافی، مجمل فصیحی، ص ۲۴۵.

[۵] تتوی و قزوینی، ص ۱۹۵.

[۶] مهدی سیدی، تاریخ شهر مشهد (تهران : انتشارات جامی، ۱۳۷۸)، ص ۶۱.

[۷] تتوی و قزوینی، ص ۵۲۳۱.

[۸] شاه بلخی، ص ۱۱۷۰.

برای خود فراهم نموده بود، حمایتش از علاءالدوله بسیار سودمند به نظر می‌رسید. محمد جـوکی در مقام معارضه با امیر فیروز شاه شد و نسبت به او رفتارهای بـدی از خـود نشـان داد.[۱] محمـد جوکی ناراضی از هرات به سمت سرخس بازگشت و سـال بعـد (۸۴۸ هجـری قمـری) چشـم از جهان فرو بست و در کنار بایسنقر به خاک سپرده شد.[۲] نارضایتی‌های فرزندان گوهرشـاد، بـرای جلب حمایت مادر مقتدر و مسئله ی جانشینی بعد از شاهرخ بود. محبت‌های بی جـای ایـن زن، مقدمات حس حسادت را در بین شاهزادگان، آشفتگی اوضاع، از بین رفتن آرامش، ظلم به رعایا و بدبینی امرا را نسبت به یکدیگر فراهم نمود.زیرا شاهرخ برای خود جانشینی را تعیین نکرده بود[۳] و و نسبت به اعمال همسرش اعتراضی نشان نمی‌داد .گوهرشاد بـا تمـام قـدرت سـعی در اجـرای اهداف مورد نظرش داشت، ولی به نظر نمی رسد شاهرخ خواهان این انتخاب بوده باشد، سکوت او به نوعی نشان دهنده ی ضعف در برابر همسرش به حساب می‌آمد. گوهرشاد با چنین اقتداری با همکاری سرداران تیموری، نقش مهمی را در اداره ی ممالک شاهرخ داشته است.

در سال ۸۵۰ هجری قمری محمد بن بایسنقر حاکم برخی از ممالک عـراق عجـم، سـر بـه شورش نهاد. شاهرخ با سن زیادش نخواست که به دفع شورش بپردازد ولی به تحریک همسرش رهسپار عراق عجم گشت و علاءالدوله را در هرات به جای گذاشت. گوهرشاد که بیماری شاهرخ را مشاهده می‌نمود، فکر این موضوع را کرده بودکه اگر در این سفر شوهرش جـان سـالم بـه در نبرد؛ علاءالدوله، با ماندن در هرات به آسانی بر تخت می‌نشیند و به علاوه عبداللطیف با حضور در این لشکرکشی، زیر نظر مستقیم مهدعلیا قرار داشت تا در صورت مرگ شاهرخ، از هرات بـرود و علاءالدوله به راحتی هرات را فتح کند.[۴] به گفتـه‌ی دولتشـاه سـمرقندی در همـین لشکرکشـی شاهرخ به سفارش گوهرشاد، سادات و اکابر اصفهان را گناهکار شـناخت و دسـتور قتـل یکـی از سادات حسینی، شاه علاءالدین و قاضی امام و خواجه افضل الدین ترکه از علمای بزرگ اصفهان را صادر و آنان را به قتل رساند [۵] این گونه اتفاقات بر نام نیک زنی چون گوهرشـاد، خدشـه وارد می‌کرد.

---

[۱] غیاث الدین بن همام الدین خواندمیر، دستورالوزراء، چ ۲، تصحیح سعید نفیسی (تهران : انتشارات اقبال، ۱۳۵۶)، ص ۳۶۲ – ۳۶۱.

[۲] تتوی و قزوینی، ج۸، ص ۵۲۴۵.

[۳] رویمر، ص ۱۱۴.

[۴] دولتشاه بن بختیشاه سمرقندی، تذکره الشعرا، تصحیح محمد عاشی (تهران : انتشارات کتابخانه بارانی، ۱۳۶۷)، ص ۴۵۷.

[۵] همان، ص ۳۷۸.

شاهرخ پس از دفع شورش در راه بازگشت، در ری چشم از جهان فرو بست. با شتافتن بابر و خلیل میرزا به طرف خراسان، سپاه پراکنده و از هم پاشیده شد و اینگونه بنای ظلم، تعدی، قتـل را بر رعایا و مزارعان نهادند و مال تاجران و رعایا را بر باد دادند[۱] و هرج و مرج و آشفتگی را بـه وجود آوردند. گوهرشاد خبر مرگ شاهرخ را با نامه ای به گوش فرزند بایسنقر رساند، بنابراین وی درب گنج‌های خزانه‌ی هرات را گشود و لشکریان زیادی را با بخشش فراوان مطیع خود ساخت.[۲] عبداللطیف که از این ماجرا آگاهی یافت اموال گوهرشاد و امیر نظام الدین احمد ترخان را تاراج و بر آن زن بی‌حرمتی‌ها روا نمود.[۳] باقی مانده‌ی سپاه شاهرخ در نیشـابور مـورد حملـه ی امـرای علاءالدوله قرار گرفتند و عبدالطیف منهزم و اسیر گردید و[۴] فرزند بایسنقر حاکم موقـت خراسـان، در رستم آباد جام، به پیشواز مادرش شتافت و نعش شاهرخ را در زیر گنبد مدرسه‌ی گوهرشاد بـه دفن سپردند. [۵]

به نظر می‌رسد وجود خاندانی معتبر چون ترخانیان و حمایت‌های مهدعلیا از علاءالدوله بـرای حفظ قدرت وی در برابر الغ بیگ ضروری بوده است. الغ بیـگ کـه پـس از مـرگ پـدر، خـود را جانشین به حق می‌دانست؛ سپاهیان خود را جمع آوری و به سمت هرات لشکر کشید. الـغ بیـگ در سال ۸۵۲ هجری قمری در نبرد ترناب فرزند بایسنقر را شکست داد[۶] و پس از حمله به هرات هرات و غلبه بر رقیبان حکومت، هرات را به عبـدالطیف تحویـل داده و نعـش پـدر و چنـد درب فولادی که شاهرخ از تبریز آورده و بر مدرسه ی گوهرشاد نصب کرده بود را به همراه خـود بـه سمرقند برد.[۷] این گونه رفتارها نشان از خشم او از اعمال مادرش داشت.

پس از شکست ترناب، علاءالدولـه در نـزد بـرادرش بـابر روزگـار را بـه سـر بـرد.[۸] رابطـه‌ی علاءالدوله با بابر رو به تیرگی نهاد،[۱] بدین منظور او به همراه گوهرشاد به سپاه محمد بن بایسنقر

[۱] احمد بن حسین بن علی کاتب، تاریخ جدید یزد، تصحیح ایرج افشار (تهران : انتشارات فرهنگ ایران زمین ، ۱۳۴۵)، ص ۹.

[۲] سیدی، ص ۶۸.

[۳] تتوی و قزوینی، ج۸، ص ۵۲۵۰.

[۴] غیاث الدین بن همام الدین خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی افراد بشر، ج ۴، چ ۴ (تهران : انتشارات خیام، ۱۳۸۰)، ص ۱۱۷۳.

[۵] محمد حسن صنیع الدوله، مطلع شمس، ج ۳ (تهران : انتشارات یساولی،فرهنگسرا، ۱۳۶۳)، ص ۶۹۹ – ۶۹۸.

[۶] ابوبکر طهرانی، دیاربکریه، تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومر (تهران : انتشارات کتابخانه طهوری ، ۱۳۵۶)، ص ۳۰۲ – ۳۰۰. ۳۰۰.

[۷] شاه بلخی، ص ۱۱۷۶.

[۸] معین الدین محمد زمچی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۲ (تهران : انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹)، ص ص ۱۴۲.

نقش سیـاسی، اجتماعی، اقتصـادی گوهرشـادآغا | ۱۵

بایسنقر در عراق پیوستند.[۲] سـلطان محمـد بـن بایسـنقر در سـال ۸۵۴ هجـری قمـری پـس از تحریکات گوهرشاد و علاءالدوله تصمیم حمله به خراسان را می‌گیرد. در این هنگام، جهـان شـاه قراقویونلو نیز قصد حمله به سوی عراق را دارد، زیرا پس از فتح اصـفهان توسـط محمـد، حـاکم اصفهان به نزد جهان شاه پناهنده شده بود. گوهرشاد دوباره، در این مقطـع زمـانی از نفـوذ خـود استفاده می‌نماید و با پا درمیانی مناسب، به حـل موضـوع پرداخـت. گوهرشـاد در زمـان حیـات شاهرخ، جهان شاه را از روی زیرکی پسر خوانده‌ی خـویش خوانـده بـود و بـا ایجـاد ترفنـدی ، خواهان صلح و مانع تجاوز جهان شاه به ممالک تیموری گشت، تا لشکر محمد با خیال آسوده به خراسان حمله کنند.[۳]

سلطان محمد پس از پیروزی بر بابر در فرهادجرد جام، حکومت ایالات گرمسـیر، قنـدهار و غزنین را به علاءالدوله سپرد. در این گیـر و دار ترخانیـان در نظـر داشـتند تـا علاءالدولـه را بـه حکومت برسانند. زمانی که عراقیان به هرات رسیدند، امرای ترخانی با مشورت بـا یکـدیگر قـرار گذاردند تا امیرزاده محمد را دستگیر کنند، اما وی از این دسیسه آگاه گردید و به امرای خراسـان فرمان داد که برای فتح قلعه‌ی عماد به مشهد روند، زیرا بابر از جانب استرآباد به سمت قلعـه ی عماد رفته بود. امیرزاده محمد چون با خیانت افرادی که به قلعه عمـاد روانـه نمـوده بـود مواجـه گشت، به سوی عراق فرار نمود. علت پادرمیانی گوهرشاد در واقع برای به قدرت رساندن مجـدد علاءالدوله بود، زیرا او احتمال پیروزی امیرزاده محمد را بر بابر داده بود و احتمالاً با هـم فکـری ترخانیان قصد دسیسه‌ای علیه محمد بن بایسنقر را داشتند، ولی بر خلاف انتظـار آنـان، سـلطان محمد با آگاهی از این دسیسه، به ترک خراسان مبادرت ورزید. علاءالدوله در اندیشه‌ی حکومـت بر هرات خود را از گرمسیر بدانجا رساند، در حالی که به گفته طهرانی مردم هـرات او را بـا دلـی خوش پذیرا بودند. با وجود حضور رقیبی چون بابر، علاءالدوله اجباراً هرات را ترک و به گرمسـیر بازگشت.[۴] محمد که در فکر انتقام از بابر بود بار دیگر حمله خود را به خراسان از سر گرفـت و در نبرد چناران در برابر بابر جان خود را از دست داد.[۵]

[۱] شاه بلخی، ص ۱۱۷۹ – ۱۱۷۸.
[۲] سمرقندی، روضات الجنات فی مدینه هرات، ص ۴۶۲.
[۳] طهرانی ، ص ۲۹۷.
[۴] همان، ص ۳۲۳.
[۵] کاتب، ص ۲۶۲.

گوهرشاد که سعی داشت در امور مملکت داری نقشی داشته باشد با حمایـت‌هـای بـی‌جـا از علاءالدوله، زمینه‌ی نارضایتی شاهزادگان را ایجاد و بر آشفتگی اوضاع بعد از شاهرخ افزود. هرج و مرجی که به غیر از ضرر برای مردم ستم دیده فایده ای نداشت و این اعمال باعث بدبینی امرا به او و ترخانیان می‌شد. بعد از فرار مهدعلیا به عراق تا زمان مرگ بابر از وی خبری نیست، شاید این زن با وجود فردی مقتدر چون بابر و رابطه ی خراب دو برادر تصمیم به سکوت گرفته بود. بابر درسال ۸۶۱ هجری قمری در مشهد درگذشت. امرای بابر در مشهد، تنها فرزند ۱۱ ساله او را به نام محمود بر تخت قدرت نشانیدند.[۱] ابراهیم بن علاءالدوله از زندان بابر در هـرات بـا کمـک ترخانیان فرار[۲] و در نزدیکی مرغاب لشکر بسیاری به دور خود گرد آورد، اما امرا تصـمیم گرفتنـد برای ایجاد صلح بین دو شاهزاده، مهدعلیا را به نـزد ابـراهیم بفرسـتند. عـده ای از آنـان اعتقـاد داشتند که ملکه با ابراهیم رابطه‌ی دوستی دارد و می‌بایستی امرای ترخانی را بـه قتـل برسـانند. بدین ترتیب تعدادی از ترخانیان کشته و مهدعلیا به نوعی در مدرسه‌ی هرات حبس شـد.[۳] دیگـر ترخانیان، خود را به ابراهیم در لب مرغاب رساندند. به دستور گوهرشاد، احمـد الامـامی قلعـه ی شهر را مضبوط ساخت و ابراهیم با کمک ترخانیان محمود را شکست داد. این دخالـت گوهرشـاد در ظنین امرا نسبت به او بی دلیل نبود و شک آنان را تبدیل به یقین می‌کرد که این زن دوبـاره می‌خواهد تجربه‌ی سابق خویش را تکرار کند.[۴]

سلطان ابوسعید بعد از تسلط بر ماوراءالنهر، با اندیشه‌ی تسلط بر خراسان و حمله به آن نواحی ابراهیم را از هرات فراری داد. ابوسعید در ابتدا به مهدعلیا احترام بسیار می‌گذارد، اما امرای بد دل به وی گفتند که ملکه به نزد ابراهیم قاصد می‌فرستد،[۵] بدین منظور نوه‌ی تیمور امر به کشتن آن آن پیرزن داد. از طرفی دیگر، شاید ابوسعید تنها به دلیل تحریک امرا وی را نکشـت بلکـه فکـر می‌کرد پایداری داروغه هرات احمد یساول (از طرفـداران گوهرشـاد) در قلعـه‌ی اختیارالـدین بـه تحریک ملکه می‌باشد.[۶] این عمل ابوسعید بعدها در سال ۸۷۰ هجری قمری پس از شکسـت در

---

[۱] شاه بلخی، ص ۱۱۹.

[۲] همان، ص ۱۱۶۱.

[۳] خواندمیر، حبیب السیر فی افراد بشر، صص ۶۵ – ۶۳.

[۴] همان، ص۶۵.

[۵] همان، ص ۱۵ – ۱۴.

[۶] همان، ص ۶۸.

مقابل حسن بیگ قراقویونلو منجر به قتل وی به دست[۱] یادگار محمد میرزا به جهت انتقام خـون مادرش گردید.[۲]

## هــرات

هرات قبل از حمله ی مغول از نواحی بزرگ خراسان به حساب مـی‌آمـد.[۳] در طـی حمـلات مغولان، در سال ۶۱۸ هجری قمری هرات مورد تاخت و تاز این قوم قرار گرفت و ویران شد.[۴] در دوره‌ی ایلخانان این دیار با وجود ویرانی با کوشش حاکمان آل‌کرت [۵] دوباره رو بـه آبـادانی و رونق نهاد. ابن بطوطه، جهانگرد معروف این دوره هرات را پس از نیشابور بزرگترین شهر خراسان می‌داند.[۶] با حمله‌ی تیمور به هرات بسیاری از اهالی آن جا کشته شدند و استحکامات آن جا را نیز نیز خراب نمود.[۷] تا این که در دوره‌ی شاهرخ خراسان تا حدودی رنگ آرامش را به خود دیـد بـه طوری که ابن عربشاه، مدت حکومت او را این چنین معرفی می‌کند: دولتش سیراب و به حاصل ثبات و پایداری خرم و شاداب بود.[۸] از آن جا که در حکومت‌های متمرکز، مازاد جامعه بـه مرکـز سرازیر می‌شود. شهرهای سمرقند و هرات به عنوان مرکز تیموریان مبـدل بـه قطـب سـاختمان سازی شدند. شاهرخ با همکاری خانواده ی خویش با ایجاد آرامش نسبی و با حمایـت از هنـر و هنرمندان، هرات را به دوره ای از اوج خود رسانیدند.[۹]

---

[۱] بوداق منشی قزوینی، جواهرالاخبار، تصحیح : محسن بهران نژاد (تهران : سازمان چاپ و انتشارات وزارت و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۷۹.

[۲] ابولفضل مبارک، اکبر نامه تاریخ گورکانیان هند، ج۱، چ ۲، تصحیح غلام رضا طباطبایی مجد (تهران : مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۲)، ص ۱۴۳.

[۳] محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای، مجمع الانساب، چ ۲، تصحیح هاشم محدث (تهران : مؤسسه و انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶)، ص ۳۲۰.

[۴] رویمر، ص ۳۲۰.

[۵] شبانکاره‌ای، ص ۳۲۰.

[۶] ابوعبدالله بن محمد ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، چ ۲، ترجمه علی موحد (تهران : انتشارات سپهر نقش، ۱۳۷۶)، ص ۴۶۳.

[۷] یزدی، ص ۲۲۵ – ۲۲۴.

[۸] حسین میر جعفری، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران دوره تیموریان و ترکمانان، چ ۳، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱)، ص ۱۲۸.

[۹] رویمر، ص ۱۱۴.

مؤقعیت مکانی هرات در مسیر جاده‌های اصلی آسیای مرکزی، توقف گاه اجباری کـاروان‌هـا بود.[۱] این سرزمین با داشتن آب و هوایی مناسب دارای همـه نـوع میـوه و چنـدین دروازهماننـد دروازه‌ی فیروز آباد و درب قپچاق بود. برخی از بناها مانند قلعـه خشـتی و گلـی شـهر، در دیـوار شمالی متعلق به دوران غازان خان کرتی به دستور شاهرخ در سال ۸۱۸ هجـری قمـری مرمـت یافتند. خیابان‌های بازارها را تماماً پوشیده و بنیاد آن‌ها را با گچ و آجر بـرآورده کردنـد. در شـمال شهر مدرسه و خانقاهی ساخته شدکه درویشان و فقرا از برکت سفره ی آن اطعام می‌شـدند.[۲] در کتاب خانـه‌ی هـرات بزرگترین خوشنویسان و تذهیب کاران، صـورتگران، نقاشان و صحافان به فعالیت مشغول و بایسنقر خوشنویس، خود با حمایت از این هنرمندان در این کار دخیل می‌شـد.[۳] در هرات دکان‌ها و سراهای تجاری و کاروانسراها برای اقامت مس سازان، بازارهای سرپوشیده و چهارسوق‌ها پر از تجمع وجود داشت.[۴] مؤقعیت حساس، آرامش و آبـادی و رونـق کـار بازاریـان، خروج و ورود بازرگانان بسیار در دوران فرزندان تیمور ارزش و رونق هرات را بالا برد. شاهرخ بـا ایجاد دو باغ سلطنتی به نام باغ سفید و باغ زاغان به توسعه و گسترش بیشتر آن پرداخت.[۵]

با ایجاد مدارس متعدد و حمایت شاهرخ از بسیاری از عالمـان و صـوفیان، علـوم بسـیاری از جمله تاریخ، حدیث، علوم اصول و شعر در مدارس هرات تدریس می‌شد.[۶] عـلاوه بـر ایـن، افـراد تحصیل کرده‌ی مذهبی، علما، شیوخ، معلمین و کارمندان اداری با تجمع فراوان خـود، در رونـق علوم تاثیر داشتند به گونه ای که به گفته ی حافظ ابرو، هرات لقب دارالسلطنه یافت چون مقصد جهانیان، منشا علوم، منبع فضایل هنر و مرکز تقوی و مأمن زهاد و عباد است.[۷] گوهرشاد تنها در امور سیاسی با شوهرش همراه نمی گشـت بلکـه در ایجـاد بناهـای عـام المنفعـه هـم شـرکت

---

[۱] نیکولای ولادیمیروویچ خانیکوف، سفرنامه خانیکوف گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی، ترجمه ابوالقاسم بی‌گناه و اقدس یغمایی (مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۵)، ص ۱۴۱.

[۲] شهاب الدین عبدالله خوافی، جغرافیای تاریخی خراسان در تاریه حافظ ابرو (تهران انتشارا اطلاعات، ۱۳۷۰)، ص ۱۳ – ۱۲.

[۳] عبدالحکیم طبیبی، تاریخ هرات در عهد تیموریان (تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۶۸)، ص ۳۴.

[۴] همان، ص ۴۸.

[۵] محمد یوسف کیانی، تاریخ هنر و معماری در دوره اسلامی، چ ۷، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴)، ص ۴۸۸.

[۶] اصیل الدین واعظ، مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الامال خاقانیه، تصحیح مایل هروی (تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱)، ص ۱۰۸.

[۷] خوافی، جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو، ص ۱۳.

می‌جست. او استاد قوام الدین، معمار شیرازی را مأموریت داد تا بناهای مورد نظـرش را بسـازد.[۱] قوام الدین شیرازی از سال ۸۲۰ تا سال ۸۴۱ هجری قمری در ساخت و ساز مصلی گوهرشـاد در شمال شهر هرات همکاری داشت.[۲]

در مدارس شاهی ،آرامگاه بانی به صورت مقبره‌ی سلطنتی در مـی‌آمـد.[۳]مصـلی دارای یـک مدرسه و یک مسجد است. در مدرسه گنبد خانه ای وجود دارد که بسیاری از فرزندان گوهرشـاد در آن مدفون هستند. معماری مدرسه، شباهت بسیاری بـه گـور امیـر تیمـور دارد[۴] و دارای، فـن قوس‌های متقاطع طاق بندی است که برای اولین بار در سمرقند به کار گرفته شد. این فـن بـه ساختمان کمک می‌نماید تا در مقابل زلزله مقاومت کند. این مصلی دومین مسجد جامع هرات به شمار می‌آمد. ظرافت گنبد و محراب و تنوع تزئینات آن در دوران‌های بعد باعث شگفتی بسـیاری از سفرنامه نویسان اروپایی گردید.[۵] مصلی، ساختمانی باز و وسیع است که برای نماز عید فطـر و قربان و طلب باران در نظر می‌گرفتند که اصطلاحاً به آن عیدگاه یا همان معـادل عربـی مصـلی می‌گفتند. مصلی چهار ایوانی گوهرشاد به گونه ای طراحی شده بود که محلی مناسب برای تجمع مردم در اعیاد قربان و فطر در آخر ماه رمضان بود. رو به روی یکی از ایـوان‌هـای مصـلی در دو طرف، اتاق‌های بزرگ مستطیل شکل با طـاق زنـی متقـاطع پوشـیده شـده بودنـد.[۶] ایـن بنـا از مشهورترین مصلی‌های دوره تیموری محسوب می‌گردد و به نوعی برترین دستاوردهای معمـاری جهان اسلام در آن روزگار بوده است.[۷]

---

[۱] خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی افراد بشر، ص ۱۵.
[۲] رویمر، ص ۳.
[۳] لیزا گلمبگ و دیگران، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه محمد یوسف کیانی و کرامت الله افسر (تهران: سازمان چاپ و انتشاراتو تولیدات فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۸۴.
[۴] رویمر، ص ۳۶۷ – ۳۶۶.
[۵] واسیلی ولادمیر بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، چ ۳، ترجمه حمزه سردادور (تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۲)، ص ۹۲.
[۶] اس. شیلا بلر و جاناتان. ام. بلوم، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانیان و تیموریان، ج ۱، ترجمه محمد موسمی هاشمی گلپایگانی (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمام چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲)، ص ۷۱.
[۷] بلانت، ص ۲۰۴.

## مشهـد

دهکده‌ی سناباد بعد از دفن امام رضا (ع) با نام مشهد رو به پیشرفت و ترقی نهاد.[۱] در زمـان حمله‌ی تیمور به خراسان با تسلیم حاکم توس و کلات (علی بیگ جانی قربان)[۲] این دو شـهر از بلای تهاجم و کشتار امیر تیمور در امان ماندند.[۳] حاجی بیگ حاکم بعدی توس به همراه ملـوک سربداری علیه تیمور سر به شورش نهادند. توس به دست میران شاه ویران[۴] و از سـرهای مـردم آن دیار، کله مناره درست کرد. بعد از این نبرد گروهی از مردم توس به مشهد آمدند و جمعیت آن شهر افزایش یافت.[۵] به نظر می‌رسد مشهد از تهاجم قتل و غارت‌های تیموری در امان ماند چون در گزارش تاریخی از حملات سپاهیان تیموری به آنجا سخنی به میـان نیامـده اسـت. تـوس در طول تاریخ از ترقی عقب و بر عکس مشهد رو به توسعه و پیشرفت نهاد. شاهرخ، حاکم خراسـان از همان اول به این ناحیه توجه خاصی داشت.[۶] وی، امیر سعید خواجـه را فرمـان داد تـا قلعـه‌ی توس، مشهد، ابیورد، نسا، نیشابور و سبزوار را معمور سازد.[۷]

امیر سعید خواجه، در سال بعد (۸۰۸ هجری قمری) به حکومت توس و مشهد رسید و جـلال الدین فیروز را برای باسازی برج و باروی مشهد منصوب ساخت.[۸] مشهد در زمان دیدار کلاویخو، شهری بزرگ توصیف شده است.[۹] شاهرخ به ترتیب در سال ۸۰۹ هجری قمری حکومت مشـهد را به الغ بیگ[۱۰] و در سال ۸۱۸ هجری قمری به بایسنقر میرزا سپرد. حکومت این سرزمین زیـر نظر حامیان علم و هنر و بانیان ساخت بناهای عام المنفعه قرار گرفت. در اصل، آبادی مشـهد از دوران شاهرخی آغاز گشت. سفرهای زیارتی شاهرخ به مشهد، وجود مرغزارهـایی بـرای تفـرج و شکار[۱۱] و بارگاه امام رضا (ع) رونق و آبادی را برای این دیار به ارمغان آورد. هم چنین مشهد بـه

---

۱ قزوینی، ص ۱۶۵.

۲ تتوی و قزوینی، ج ۷، ص ۴۷۳۲.

۳ رویمر، ص ۵۸.

۴ شاه بلخی، ص ۱۰۵۹.

۵ محمد رضا قصابیان، تاریخ مشهد از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه (مشهد: انتشارات انصار، ۱۳۷۷)، ص ۱۵۹.

۶ فریدون گرایلی، نیشابور شهر فیروزه، چ ۴ (بی جا، انتشارات وامینه، ۱۳۸۵)، ص ۱۵۷.

۷ خواند میر، تاریخ حبیب السیر فی افراد بشر، ص ۱۷.

۸ قصابیان، ص ۱۶۳.

۹ دکلاویخو، ص ۱۹۲.

۱۰ شاه بلخی، ص ۱۱۳۲.

۱۱ خوافی، جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو، ص ۶۱.

دلیل برخورداری از مؤقعیت سیاسی و تجاری مهم واقع در غـرب افغانسـتان مـی‌توانسـت بـرای شاهرخ میرزا، اهمیت فراوانی داشته باشد.[۱] در دوران حکومـت بایسـنقر در مشـهد در سـال ۸۲۱ هجری قمری ساخت مسجد جامع بزرگی به دستور گوهرشاد در قسمت جنوبی حرم مطهـر آغـاز گردید. بایسنقر از اساتید مشهور خطاطی و تذهیب، در عصر خود بود و طراحی کتیبه‌ی عریضـی که بر بالای دو مناره‌ی مسجد بر روی کاشی‌های عریض نوشته شده است، را بر عهده گرفت.

مسجدگوهرشاد، چهار ایوان به همراه شبستان و محراب می‌باشـد. بزرگتـرین ایـوان بـه نـام مقصوره با تزئینات مقرنس کاری و کاشی کاری در اطراف محراب و کتیبه ای از کاشی معرق به خط ثلث و گنبدی با شکوه بر بالای ایوان با دو مناره جلوه‌ی زیبایی را به نمایش می‌گذارد.[۲] بـر طبق متن کتیبه، گوهرشاد هزینه‌ی ساخت مسجد و قسمت‌های مختلف آن از جمله دارالسـیاده، شبستان و دارالحفاظ را از اموال خود تقبـل نمـوده اسـت.[۳] دارالحفـاظ و سـالن مسـتطیل شـکل (شبستان) با فن طاق زنی متقاطع پوشیده شده است.[۴] این مسجد به خاطر ویژگی‌های ساختمانی ساختمانی و دارا بودن تزئینات غنی کاشی و کتیبه یکی از برجسته‌ترین بناهای تـاریخی ایـران و نمونه‌ی بارزی از هنر گورکانی به حساب می‌آید. طرح‌های آن در اشکال هندسی، اسلیمی، گیاهی و کاشی‌های معرق به طرق گوناگون به کار رفته‌اند.[۵]

انگیزه‌ی گوهرشاد از ساخت این بناها دقیقا مشخص نیست. با توجه بـه نظریـه ی اسـلامی همراهی دین با سیاست، یک فرمانروای سیاسی با استفاده از دین و عدالت نمونه‌ی یـک پادشـاه عادل در جوامع اسلامی محسوب می‌گردد. رجوع شاهان به مسایل دینی، در اصل، نوعی کسـب مشروعیت و بخش مهمی از قدرت اجتماعی بـه شـمار مـی‌آیـد.[۶] شـاید انگیـزه ی گوهرشـاد و خانواده‌ی وی از این اقدامات برای کسب مشروعیت و نام نیک در برابر کشتارها و ویرانـی‌هـای امیر تیمور بوده است. توجه به هرات به عنوان پایتخت امریست طبیعی، ولی چرا ایـن تمرکـز در شهر مشهد نیز شکل گرفت؟ زیارت آرامگاه یک فرد مقـدس در بـین مسـلمانان رواج و اهمیـت

---

[۱] سایکس، ص ۳.
[۲] علی اصغر مقری، بناهای تاریخی خراسان (مشهد : انتشارات اداره کل فرهنگ خراسان، ۱۳۵۹)، ص ۸.
[۳] مشکوتی، ص ۳۵۰.
[۴] بلر و بلوم، ص ۶۸.
[۵] ملازاده و محمدی، مساجد (تهران : سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۹)، ص ۱۳۱.
[۶]. جان فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، (تهران : خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۹)، ص ۷۸.

داشت.[۱] این آرامگاه‌ها بخش‌های شناخته شده‌ی خاص اجتماع بودند، بنابراین این اماکن زائـران فراوانی به سوی خود جذب می‌نمودند. کلاویخو سفیر اسپانیایی از عظمت و شکوه آرامگـاه امـام رضا (ع) و اهمیت زیارت این مکان مقدس در نزد مردم و شمار زائران بسیار آن،کـه سـالانه بـه حرم امام می‌رفتند، سخن به میان آورده است. کلاویخو، مشهد را از بزرگترین شهرهای زیـارتی ناحیه‌ی خراسان می‌داند.[۲]

حافظ ابرو، در کتاب خود اشاره دارد که برای زیارت امام رضا مـردم از سـرزمین‌هـای دوری چون مصر و شام به ایران می‌آمدند.[۳] تعداد شیعیان در این زمـان در مشـهد رو بـه فزونـی بـوده است.[۴] تیمور و بازماندگان وی به شیعیان آسان می‌گرفتند و حتی برخی از حکومت‌های شیعی در در قلمروی حکومتی خود باقی ماندند.[۵] شاهرخ در دوران فرمانروایی خویش به اهل بیت و سادات سادات احترام می‌گذارد[۶] و در هر زمانی که پیش می‌آمد؛ به زیارت امام رضـا (ع) مـی‌رفـت و در تزئین و ساخت و گسترش آن بنا، تلاش فراوانی از خود نشان می‌داد. در سال۸۲۱ هجری قمری قندیلی از طلا به مثقال ۵۰۰ گرم به حرم مطهر اهدا نمود.[۷] این زیارت برای دیدار از مسجد جامع جامع گوهرشاد که ساخت آن اتمام یافته بود صورت گرفت. شاهرخ در همین سفر دستور سـاخت سرایی در اطراف شهر را صادر نمود تا زمانی که به زیارت می‌رود در آن جا اقامت داشته باشد.[۸]

گوهرشاد که شاهد جمعیت فراوان شیعیان در مشهد بود، شاید برای خشنودی آنان یا برجـای گذاردن نامی نیک برای جبران گناهان، دست به ساخت این مسجد زد، شاید ساخت یک مسـجد زیبا توسط فردی سنی مذهب، در کنار یک زیارتگاه بزرگ و باشکوه شیعی، برای تبلیغات مذهبی بوده است. در وقف نامه‌ی مسجد، برخی از زمین‌های جام شهری، با اهالی سـنی مـذهب وقـف مسجدی شده است که در کنار زیارتگاه شیعیان قرار می‌گیرد و درآمد این وقف صرف رفاه حـال زائران شیعی می‌شد. مهد علیا برای بنای مصلی و مسجد جامع هزینه‌های بسیاری تقبـل نمـوده

---

[۱]. ابن عرب شاه، ص ۲۵۰.

[۲]. دکلاویخو، ص ۱۹۳ – ۱۹۲.

[۳].خوافی، جغرافیای تاریخی خراسان از تاریخ حافظ ابرو، ص ۶۳.

[۴]. قصابیان، ص ۱۶۷.

[۵]. عبدالحسین نوایی، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، چ ۳ (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰)، ص ۴۷۷.

[۶]. واعظ، ص ۸۷.

[۷] شهاب الدین عبدالله خوافی، زبده التواریخ، ج ۳، تصحیح کمال حاج سید جوادی (تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰) ص ۶۹۳.

[۸] میرخواند، روضه الصفا، ص ۱۱۵۴.

بود چرا که در فکر آرامش و آبادانی این شهرها بود. برپایی چنـین امـاکنی سـبب شـهرت وی و ایجاد حس عظمت در بین مردم می‌شده است.

مدرسه‌ی پریزاد به دستور یکی از نزدیکان گوهرشاد به نام پریزاد، هم زمان با مسجد مشـهد ساخته شد. ساخت این مدرسه نمی تواند خالی از حمایت و تأثیر کارهای گوهرشاد باشد. به دلیل هم زمانی ساخت این بنا با مسجد گوهرشاد، کار گوهرشاد به نوعی الگو برای پریـزاد در سـاخت بنای مدرسه بوده است. چون موضوع این مقاله در رابطه با تأثیرات گوهرشاد است پس لازم است که درمورد این مدرسه توضیحاتی داده شود و آن را نمونه ای از تأثیرات گوهرشاد به حساب آورد. پریزاد از نوادگان ربیع بن حیثم از اصحاب امام علی (ع) و نزدیکان معاویه بود، هنگامی که لشکر اسلام به خراسان آمد وی در آن جا ساکن و سپس فوت نمود.[۱] این مدرسه برای سکونت علما و فضلایی که برای زیارت یا تدریس یا وعظ به مشهد می‌آمدند ساخته شده تا در آن محل سکونت کنند.[۲] این بنا آجر کاری و کاشی کاری، با نقوش اسلیمی است.[۳] ضـمیمه کـردن مـدارس کنـار مسجد، رسمی متداول بود.[۴] در این مدرسه علاوه بر رسیدگی به طلاب دینی، به اطعام خدام حرم حرم مطهر در روز عید غدیر و تلاوت قرآن و تعمیر حرم نیز پرداخته می‌شد. با توجه به ایـن کـه پریزاد شیعه مذهب بود، احتمالاً دانشجویان شیعی در این مکان به تحصیل می‌پرداختند.[۵]

## تأثیـرات گوهـرشاد در امور اجتماعی مشهـد و هـرات

مسجد، مهم ترین فضای معماری در سرزمین‌های اسلامی است. این فضا به نوعی علاوه بر کارکرد دینی، نقش اجتماعی و سیاسی فراوانی دارد. مسجد جامع نخستین و قدیمی ترین مسجد هر شهری نیست بلکه به سبب کارکردهای گونـاگون آن، بزرگتـرین و مهـم تـرین مسـجد نیـز محسوب می‌گردد.[۶] بناهای مهد علیا، هر دو مساجد جامع بزرگی هستند که روزانه جمعیت زیادی

---

۱ صنیع الدوله، ص ۶۷۲.

۲ حسن زنده دل، مجموعه راهنمای ایرانگردی استان خراسان (تهران: نشر ایرانگردان، ۱۳۷۷)، ص ۲۲۰.

۳ بیان حصاری و فرامرز صابر مقدم، سیمای گردشگری مشهد مقدس، ترجمه مهدی جوادیان نیک (مشهد: معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، ۱۳۷۸)، ص ۴۵.

۴ رابرت هیلن براند، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام (تهران : شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران، ۱۳۷۷)، ص ۲۲۰.

۵ محمود یزدی مطلق (فاضل)، تحقیح پیرامون وقف نامه‌های موجود در اداره کل اوقاف استان خراسان و موقوفات پیرامون آن ها (مشهد : ادراه کل اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی، ۱۳۷۳)، ص ۳۲.

۶ امجد بهومیل پروجازکا، معماری مساجد جهان، ترجمه حسین سلطان زاده (تهران : مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳)، ص ۱۸.

زیادی به ویژه در هنگام نماز به آن مراجعت می‌نمودند. مساجد بزرگ و جامع تابع حکومت بودند و تعیین امام بر عهده‌ی فرمانروا بود. [۱]

مساجد جامع که محل برگزاری نماز جمعه بود به دلیل این که امام، خطبه را به نـام پادشـاه می‌خواند، باعث نزدیکی بین حکومت و روحانیون می‌شد.[۲] شاهرخ خود با روحانیون این ارتباط را حفظ می‌نمود و خود امام را تعیین می‌کرد.[۳] گوهرشاد با ایجاد بناهای مذهبی، رابطـه حکومـت و مردم و روحانیون را تقویت می‌نمود. مسجد و معماری به گونه ای بود که اجـزای آن در خـدمت رفاه حال مردم و مسافران بود و درهر قسمت کارهای مشخصی انجام می‌گرفـت. در دارالحفـاظ، هر روز حفاظ خوش صدا به قرائت قرآن می‌پرداختند.[۴] ایوان مقصوره با محـراب درونـش جـایی برای نماز و استراحت و خوابیدن بود، به ویژه این که به دلیل دارا بودن محوطه‌ی باز در تابستان و زمستان قابل استفاده نبود. علاوه بر آن شبستان مسجد نیز فضایی مناسب برای اقامت بود. در مسجد جامع هرات تعداد یک جفت از اتاق هایی وجود داشته که برای جـا دادن جمعیتـی نسـبتاً معدودی بوده است.[۵] کاربرد دارالسیاده در آن زمان دقیقاً مشخص نیست. شاید الگوی دارالسیاده- دارالسیاده‌ی حرم امام، دارالسیاده‌ی غازان خان ایلخانی بوده است. این مکـان را بـرای معـاش و خدمت به در نظر گرفتند.[۶] دارالسیاده‌ی مشهد نیز یک تالار شاه نشین دارد. تاسیس تاریخ کتـاب خانه‌ی حرم از دوران حکومت شاهرخ فراتر نمی‌رود. البته در این زمان فقط یک جلد قرآن با خط بایسنقر اهدا شده است.[۷]

قرار گرفتن مسجد در کنار بازار، کاربری بازار را بالا می‌برد. تجمع مردم، طلاب، روحـانیون و مسافران جهت اقامه‌ی نماز جماعت باعث ازدیاد خریداران می‌شد. گاهی ممکن بود یک بـازار در شمار موقوفات مسجد درآید. چنان که از جمله موقوفات مسجد جامع گوهرشاد بازار و حمام بوده است، مصلی هرات نیز دارای املاک وقفی و در کنار مدرسه و دارالسلطنه ساخته شده بـود. قـرار

---

[۱] واعظ، ص ۸۲.
[۲] گلمبگ و دونالد، ص ۸۰.
[۳] واعظ، ص ۸۲.
[۴] کاتب، ص ۹۹.
[۵] بلر و بلوم، ص ۷۱.
[۶] رشیدالدین فضل الله همدانی، تاریخ مبارک غازانی، تصحیح کارل یان (استفن اوستین در هرتفورد از بلاد انگلستان : بی نا، ۱۹۴۰)، ص ۲۱۰.
[۷] خانیکوف، ص ۱۱۲.

گرفتن بناهایی این چنین از جمله مدرسه، مسجد، حمام، بازار و... در جوار یکدیگر باعـث تجمـع افراد زیادی از اقشار مختلف مردم در این محدوده‌ی شهر که معمولا مرکز شهر نیز بود، می‌شد و این مسئله باعث رونق بازارها، افزایش ارتباطات مردم با یکدیگر و نیز بالا رفـتن قیمـت اراضـی اطراف آن‌ها می‌شد.[1]

امیر تیمور به امنیت راهها و ساخت کاروانسرا و مهمان خانه اهمیت مـی‌داد و کاروانسـراهای متعددی در راه شرقی ایران توسط تیمور احداث گردید.[2] این کاروانسراها در خارج از شـهر بـرای اقامت زائران، طلاب و بازرگانانی که به سمت هرات و مشهد می‌آمدند بسـیار مفیـد بـود. وجـود چنین ساخت و سازهایی، مشاغل موقتی برای پیشه وران ایجاد و باعث تمرکـز و تـورم جمعیـت می‌شدند. امنیت راهی که در دوران تیمور برقرار شد، رفت و آمد بازرگانان و زائـران را بـه داخـل این شهرها بیشتر می‌کرد بنابراین اکابر و اشراف مشغول به ساخت و سـاز عمـارات عـالی بـرای زائران شدند.[3] مساجد ساخت گوهرشاد، در زیباسازی شهرها مفید بودند به طوری که شکوه ایـن بناها حتی در دوران‌های بعدی به نظر اروپائیان چشمگیر جلوه می‌نمود.[4] تأثیر خاص رنـگ‌هـا در معماری اسلامی جایگاهی بس ارزنـده دارد و باعـث غنـای فضـای شـهری مـی‌گـردد. بناهـای گوهرشاد با کاشی کاری‌های معرق و زیبا در جلوه سازی دو شهر هرات و مشهد بی‌نصیب نماند. تزئینات در این بناها بر عقاید مذهبی تاکید دارند، نوشتن آیات قرآنی، درک عرفانی را بالا می‌برد. زائر یا مسافر خسته‌ای که از بیابانهای سخت عبور کرده با دیدن چنین منظرهایی زیبا به آرامش روانی بالایی می‌رسد. زیبا دوستی و زیبا جویی به عنوان یکی از نیروهـای محرکـه‌ی معنـوی و نیازهای عالی انسان محسوب می‌شود. از این رو وجود چنـین مسـاجدی مـی‌توانسـت در جـذب مسافرین تأثیرگذارتر باشد.

## مـدارس

طالبان علم گاهی اوقات از مناطق دور دست برای فراگیـری معلومـات رهسـپار دیـار غربـت می‌شدند. بر اثر توسعه ی علوم اسلامی فضای آموزشی از مساجد جدا و به مدارس منتقل گردید.

---

[1] کاتب، ص ۹۷.

[2] دکلاویخو، ص ۱۸۵.

[3] خوافی، جغرافیای تاریخی خراسان از تاریخ حافظ ابرو، ص ۶۳.

[4] الکس بارنز، سفرنامه بارنز، ترجمه حسن سلطانی فر (مشهد، آستان قدس، معاونت فرهنگی، ۱۳۶۶)، ص ۶۱.

معمولاً مدارس را با تعدادی حجره به صورت یک یا دو طبقه برای استفاده و اقامت شـبانه روزی دانشجویان و طلاب دینی می‌ساختند.[۱] جایگاه مدرسه در کنار بازار می‌توانسـت در خریـد بیشـتر کالا از آن مکان تاثیر بگذارد، چون طلاب برای رفع نیاز خود می‌بایستی به بازار مراجعـه نماینـد. هنگامی که مدرسه و مسجد در کنار هم قرار می‌گیرند، نقش خرید از بازار و مبادله ی کالا بیشتر می‌گردد. مدرسه و مسجد گوهرشاد در مشهد و هرات املاک وقفی فراوانی داشته اند.[۲] امور وقفی سهم عمده‌ای در تعلیم و تروج معارف اسلامی دارند. وجـود وقـف، محرومیـت ناشـی از عوامـل اقتصادی و اجتماعی را رفع می‌کند. طلابی که به مدارس می‌آمدند اگر فقیر بودند بـا اسـتفاده از عواید مدرسه می‌توانستند به علم بپردازند. گوهرشاد با ایجاد امور وقفی به سادات، مردم شهری و روستایی، روحانیون، بازرگانان، قاریان، زائران، مسافران و نمازگزاران خدمات شایانی ارائه داد.

## نتیجـه گیری

گوهرشاد زنی قدرت خـواه بود، بنابراین در دوران حکومت همسـرش در برخی از امور سیاسی دخالت می‌نمود. بلکه بعد از مرگ شاهرخ، وی سـعی در اجـرای برخـی از اهـداف خـود داشـت. حمایت او از علاءالدوله فرزند بایسنقر و تلاش برای به قدرت رساندن این فرد در حالی کـه الـغ بیگ و محمد جوکی پسران شاهرخ در حیات بودند، در دوران زندگانی و پـس از مـرگ شـاهرخ، زمینه‌ی بدبینی امرا وخشم و نارضـایتی شـاهزادگان از وی و خانـدان ترخـانی را بـه بـار آورد و سرانجام این اعمال چیزی جز بی‌حرمتی و حبس و فرار و مرگی تلخ عاید او، نگردید.گوهرشاد با حمایت‌های خود باعث درگیری و زد و خورد هایی پس از مرگ شـوهرش گردیـد و بـر دامنـه‌ی نبردهای جانشینی افزود. برعکس با شکست وی در امور سیاسی، در امور عام المنفعه از خود نامی نیک برجای گذارد و در رونق و آبادانی عصر شاهرخ میرزا حضور پر رنگی از خود نشـان داد. او و همسرش با دستور به ساخت بناهایی عظیم و باشکوه در خراسان، نوزایی فرهنگـی را بـه وجـود آوردند. بناهای مذهبی او با کارکردهای مذهبی و خیریه، نام او را در تاریخ به عنوان یک زن دین دار و هنر دوست به ترسیم می‌کشد.

---

[۱] کیانی، ص ۹.

[۲] خوافی، تاریخ حبیب السیر فی افراد بشر، ص ۶۸.

## فهرست منابع


ابن بطوطه، ابو عبدالله بن محمد. سفرنامه ابن بطوطه. ج ۲، چ ۲، ترجمه علی موحد، تهران: انتشارات سپهر نقش،۱۳۷۶.

ابن عرب شاه، احمد بن محمد. زندگی شگفت آور تیمور. ترجمه محمد علی نجاتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.

اسفزاری، معین الدین محمد زمچی. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات. ج ۲، تهران : انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.

بارتولد، واسیلی ولادیمیر. تذکره جغرافیا ی تاریخی ایران. چ ۳، ترجمه حمزه سردادور. تهران : انتشارات توس، ۱۳۷۲.

بارنز، الکس. سفرنامه بارنز (سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار). ترجمه حسن سلطانی فر، مشهد: آستان قدس، معاونت فرهنگی، ۱۳۶۶.

بلانت، ویلفرد. جاده زرین سمرقند. ترجمه رضا رضایی، تهران : انتشارات عمران، ۱۳۸۷.

بلر، شیلا. اس و جاناتان. ام. بلوم. هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی (دوره ایلخانیان و تیموریان). ج ۱، ترجمه محمد موسمی هاشمی گلپایگانی، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲.

پروجازکا، امجد بهومیل. معماری مساجد جهان. ترجمه حسین سلطان زاده، تهران : مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳.

تتوی، احمد و آصف خان قزوینی. تاریخ الفی. ج ۸، تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.

جوینی، عطاملک. تاریخ جهان گشای جوینی. ج ۱، چ ۲، تصحیح منصور ثروت، تهران : مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸.

حصاری، بیان و فرامرز صابرمقدم. سیمای گردشگری مشهد مقدس. مترجم مهدی جوادیان نیک، مشهد : معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، ۱۳۷۸.

خانیکوف، نیکولای ولادیمیرویچ. سفرنامه خانیکوف گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی. ترجمه ابوالقاسم بی گناه، اقدس یغمایی، مشهد : مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۵.

خوافی، شهاب الدین عبدالله. جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو. تهران : انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰.

خوافی، شهاب الدین عبدالله. زبده التواریخ. ج ۳، تصحیح کمال حاج سید جوادی، تهران : سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

خوافی، احمد بن جلال الدین محمد. مجمل فصیحی. ج ۱، تصحیح : محمود فرخی، مشهد : انتشارات کتاب فروشی باستان، ۱۳۳۹.

خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. تاریخ حبیب السیر فی افراد بشر. ج ۴، چ ۴، تهران : انتشارات خیام، ۱۳۸۰ .

خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. دستور الوزراء. چ ۲، تصحیح سعید نفیسی، تهران : انتشارات اقبال، ۱۳۵۶.

دکلاویخو، روی گنزاله. سفرنامه کلاویخو. ترجمه مسعود رجب نیا، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۶.

رویمر، ه. ر و دیگران. تاریخ ایران دوره تیموریان از مجموعه تاریخ کمبریج. چ۳، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۷۸.

زنده دل، حسن. مجموعه راهنمای ایرانگردی استان خراسان. تهران : نشر ایرانگردان، ۱۳۷۷.

سایکس، پرسی. سفرنامه سرپرسی سایکس. ترجمه حسین سعادت نوری، تهران : انتشارات لوحه، ۱۳۶۶.

سمرقندی، دولتشاه بن بختیشاه. تذکره الشعرا. تصحیح : محمد عاشی، تهران : انتشارات کتابخانه بارانی، ۱۳۶۷.

سمرقندی، کمال الدین عبدارزاق. مطلع السعدین و مجمع البحرین. ج ۲ جزء اول، چ ۲، تصحیح محمد شفیع، بی جا : بی نا، ۱۳۵۳.

سیدی، مهدی. تاریخ شهر مشهد. تهران : انتشارات جامی، ۱۳۷۸.

شاه بلخی، محمد بن خاوند. روضه الصفا. ج ۶، تهران : انتشارات علمی، ۱۳۷۳.

شامی، نظام الدین. ظفرنامه. تصحیح فلکس نادر، پراگ چکوسلواکی : انتشارات مؤسسه شرقیه، ۱۹۵۶.

شبان کاره ای، محمد بن علی بن محمد. مجمع الانساب، چ ۲، تصحیح هاشم محدث، تهران : مؤسسه و انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.

طبیبی، عبدالحکیم. تاریخ هرات در عهد تیموریان. تهران : انتشارات هیرمند، ۱۳۶۸.

طهرانی، ابوبکر. دیاربکریه. تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومر، تهران : انتشارات کتابخانه طهوری،۱۳۵۶.
فوران، جان. مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۹.
فوربزمنز، بئاتریس. برآمدن و فرمانروایی تیمور. ترجمه منصور صفت گل، تهران : مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
قزوینی، بوداق منشی. جواهر الاخبار. تصحیح : محسن بهرام نژاد، تهران : سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
قصابیان، محمد رضا. تاریخ مشهد از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه. مشهد : انتشارات انصار، ۱۳۷۷.
صنیع الدوله، محمد حسن. مطلع الشمس. ج ۳، تهران : انتشارات یساولی، فرهنگسرا، ۱۳۶۳.
کاتب، احمد بن حسین بن علی. تاریخ جدید یزد. تصحیح ایرج افشار، تهران : انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۵.
کیانی، محمد یوسف. تاریخ هنر معماری در دوره اسلامی. چ ۷، تهران : سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.
گرایلی، فریدون. نیشابو رشهر فیروزه. چ ۴، بی جا : انتشارات وامینه، ۱۳۸۵.
گلمبک، لیزا و دیگران. معماری تیموری در ایران و توران. ترجمه محمد یوسف کیانی و کرامت الله افسر، تهران : سازمان چاپ و انتشارات و تولیدات فرهنگی، ۱۳۷۴.
لمب، هارولد. تیمور لنگ فاتح جهان. ترجمه علی جواهر کلام، تهران : دنیای کتاب، ۱۳۸۴.
لاهجی، علی بن شمس الدین بن حاجی حسین. تاریخ خانی. تصحیح : منوچهر ستوده، بی جا: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
مبارک، ابوالفضل. اکبر نامه تاریخ گورکانیان هند. ج ۱، چ ۲، تصحیح : غلام رضا طباطبایی مجد، تهران : مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و پژوهشگاه وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۲.
مقری، علی اصغر. بناهای تاریخی خراسان. مشهد انتشارات اداره کل فرهنگ خراسان، ۱۳۵۹.
ملازاده، کاظم و مریم محمدی. مساجد. تهران : سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۹.
میرجعفری، حسین. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان. چ ۳، تهران : انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
مشکوتی، نصرت الله. از سلاجقه تا صفویه. بی جا : انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۳.
نعمانی، فرهاد. تکامل فئودالیسم در ایران. ج ۱، تهران : شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۸.
نوائی، عبدالحسین. اسناد و مکاتبات تاریخی ایران. چ ۳، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
هیلن براند، رابرت. معماری اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام، تهران : شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران، ۱۳۷۷.
همدانی، رشیدالدین فضل الله. تاریخ مبارک غازانی. تصحیح : کارل یان. استفن اوستین در هرتفورد از بلاد انگلستان : بی نا، ۱۹۴۰.
واعظ، اصیل الدین عبدالله. مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الامال خاقانیه. تصحیح مایل هروی، تهران : انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.
یزدی، شریف الدین علی. ظفرنامه. ج۲، تصحیح محمد عباسی، تهران : مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
یزدی مطلق (فاضل)، محمود. تحقیق پیرامون وقف نامه‌های موجود در اداره کل اوقاف استان خراسان و موقوفات پیرامون به آنها. مشهد: اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی، ۱۳۷۳.

**اسناد**

اداره کل اوقاف امور خیریه استان خراسان رضوی، ۱۳۸۹، سند بدون شماره و بدون مهر (سواد چهارم).